

بسم الله الرحمن الرحيم

محقق: زهرا دهنو

موضوع تحقیق: نگاهی به مفهوم عدل و ظلم در قرآن

شماره طلبگی:

مربوط به درس: تفسیر موضوعی (۵)

چکیده

عدل یکی از مفاهیم بنیادی است که قرآن در مقاطع و بخش‌های مختلف و با استفاده از روش‌های گوناگون بیانی آن را بیان و توضیح داده و به رعایت و پابندی به آن تأکید کرده است. از نظر قرآن، آفرینش بر عدل استوار بوده و ظلم و بی‌عدالتی در آن جای ندارد؛ از این رو رفتار مخالف عدل و عدالت درست به معنای پایمال کردن و نادیده گرفتن قانون‌های هستی است که آفریدگار هستی تعیین فرموده است. مفسران و دانشمندان مسلمان بخش‌های گوناگون علوم قرآن را برای توضیح و بیان عدل الهی بنا شده بر عروۃ الوثقی فطرت - این پیمان جاودانه میان آفریدگار و بندگان - اختصاص داده‌اند. تقاضای فطرت انسانی اعتراف به یگانگی خدا، و پای‌بندی به این تقاضا و رعایت آن همان عادل بودن فرد است. از اینجاست که قرآن و پیامبران همه فقط به یاد آورندگان (مذکر) هستند و انسان را به یاد داشتن پیمان مقدس فطرت و رعایت مقتضای آن فرا می‌خوانند.

برای بررسی موضوع عدل و برابری و روشن ساختن دیدگاه اسلام درباره آن، تحلیل و بررسی علمی مسائلی مانند تعدد زوجات (چند زنی)، نقش و جایگاه زن، جایگاه غیر مسلمانان در جامعه اسلامی و آزادی عقیده، توجه موافقت اسلام در این مسائل، اساسی است. و نیز بازنگری در تفسیر تاریخی متن قرآنی یا (Re-Contextualization) یکی از نیازهای اساسی و بنیادی و مهم آن است. همچنین تعمق و تحلیل درباره داستان‌های قرآنی به عنوان نمونه‌هایی از سرکشی و انحراف انسان از عدل الهی، و بالأخره بررسی مفهوم «میزان» (ترازو) به عنوان نماد معیار سنجش خوبی‌ها و بدی‌های انسان، به منظور دستیابی تصویر درست از مفهوم عدل در قرآن لازم و ضروری است.

فهرست مطالب

۱	مقدمه.....
۲	معنای عدالت.....
۳	معانی عدل.....
۶	تقسیمات عدل.....
۹	ارزش عدالت در دین اسلام.....
۱۱	مفهوم ظلم و آثار آن در نگاه قرآنی.....
۱۲	ظالم.....
۱۲	علت ظلم و انگیزه ظالم.....
۱۴	اقسام ظلم.....
۱۵	آثار شرک.....
۱۶	آثار زیانبار ظلم.....
۱۷	ظلم در رفتار و ارتکاب فواحش.....
۲۰	نمونه‌هایی از روابط اجتماعی ظالمانه.....
۲۱	مبارزه با ظالمان.....
۲۵	نتیجه گیری.....
۲۷	فهرست منابع.....

مقدمه

گفته می شود که یکی از بنیادی ترین مفاهیم در علوم انسانی و به خصوص در علم سیاست مفهوم عدالت است. این سخن گزاف نیست زیرا که اهمیت عدالت و نقش تعیین کننده آن در اجتماع غیر قابل انکار می باشد. می توان غرض را با این عبارت بیان کرد که مبحث عدالت در مرکز منظومه فکری اندیشمندان سیاسی واقع شده است.

عدل صفتی است که هم نزد خالق محبوب است و هم نزد مخلوق و خدا خود را با این صفت ستوده است. در نگاهی به همه ادیان، اعم از آسمانی و غیر آسمانی، ما شاهد هستیم که همگی به عنصر مهم عدالت توجه کرده اند و از آن یا به عنوان اصلی ترین هدف و یا یکی از اهداف مهم نام برده اند.

در دین اسلام هم این بحث از نظر دور نمانده و تعداد ۲۹ آیه از آیات قرآن مستقیماً درباره عدالت نازل شده است و حدود ۲۹۰ آیه دگر هم در مورد ظلم که ضد عدالت می باشد، نازل شده است. در مجموع می توان ادعا کرد که حدود یک دهم از آیات قرآن یا به طور مستقیم و یا به طور غیرمستقیم به این بحث اشاره دارند و این امر نشان دهنده اهمیت آن در دین اسلام می باشد.

عدالت امری است که اگر دین اسلام هم به آن اشاره نمی نمود، حقیقت بودن آن صدمه ای نمی دید.

این حقیقت همواره به عنوان یکی از عناصر اصلی و تفکیک ناپذیر مباحث سیاسی و قدرت سیاسی به شمار آمده و می توان آن را به عنوان فصل ممیز زور و مشروعیت قدرت و اطاعت مردم دانست.

اگر ما به این واژه از جنبه تاریخی هم نظر کنیم خواهیم دید که همواره در طول تاریخ جدال عدالت طلبان و ظالمان وجود داشته و در هیچ دوره تاریخی مردم از آرزوی جهان پر از عدالت دور نمانده اند. البته در طول تاریخ همواره مظلومان بوده اند که این گوهر کمیاب را جستجو کرده اند و هرگاه هم که به آن دست یازیده اند، از آن با تمام وجود دفاع کرده اند. شهید مطهری(ره) که خود تمام وجود خویش را وقف این هدف کرده بود، در این رابطه می گوید: «اندیشه، تابع شکم است. محال است که یک برخوردار مرفه، از اصل عدل دفاع کند همچنان که محال است که یک محروم زجر کشیده منکر اصالت عدل بشود.» آدمی هرگاه در مقابل ظلم و جنایت و کفر و فساد قرار گرفت و از آنها رنج برد، شوق عدالت و حقیقت در او بیدار می شود.

توجه: در این نوشتار سعی شده از دو منبع اصیل و گرانقدر بهره برداری بیشتری شود، یکی کتاب وزین نهج البلاغه، که عظمت آن بر هیچ کس پوشیده نیست و دیگری هم آثار معلم شهیدمرتضی مطهری(ره) که خدمات او به اسلام و انقلاب و بیان واضح و شیوا و ذهن تیزبین او در تفسیر متون دینی جای هیچ گونه ابهامی ندارد.

نتیجه بزرگی که در پرداختن به مبحث جایگاه عدالت وجود دارد این است که اگر بپذیریم حق و عدالت در اسلام واقعیت داشته و اسلام واقعی بودن آنها را پذیرفته است، قادر خواهیم بود که یک فلسفه اجتماعی اسلامی و یک رشته مبانی حقوقی اسلامی بنا نهیم که براساس آن مبنای ذی حق بودن و علت وضع برخی قوانین تشخیص داده شود، تا اگر در جایی از مسایل جدید حکمی در اسلام پیدا نکردیم، بر اساس همان مبانی، حکم اسلام را استخراج کنیم.

معنای عدالت

عدالت در اصل لغت به معنای برابری میان دو چیز و یا به موقع انجام دادن کارها به نحوی که حیف و میلی در آنها نباشد است.

«وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ؛ و اگر ببینی آنگاه که فرشتگان جان کافران را می‌گیرند که بر صورت و پشت آنان می‌کوبند و (گویند:) بچشید عذاب سوزان را، این (عذاب) به کیفر کارهایی است که دستان خودتان پیش فرستاده و از آن روست که خدا کم‌ترین ستمی به بندگان نمی‌کند»

۱- ظالمان در دوزخ. در آیات بسیاری خداوند از جهنم سوزان با عنوان جایگاه ظالمان یاد می‌کند: «إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ، لَهُمْ مِّنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ؛ بی‌گمان، آنان که آیات ما را تکذیب کردند و از روی کبر و غرور از پذیرش آن‌ها سر برتافتند درهای آسمان به روی‌شان گشوده نگردد و به بهشت در نیایند تا آنکه شتر (یا طناب کشتی) در سوراخ سوزن درآید (که این هم ناشدنی است) و مجرمان را این گونه کیفر می‌دهیم. آنان از دوزخ بستری در زیر دارند و رواندازهایی بر رو و ستمکاران را این چنین کیفر می‌دهیم»

نکتهٔ جالب این‌که می‌فرماید: «ظالمان وارد بهشت نمی‌شوند تا اینکه شتر از سوراخ سوزن بگذرد!» این تعبیر کنایهٔ لطیفی از محال بودن این امر است. در واقع برای این‌که عدم امکان دخول این افراد در بهشت به صورت حسّی درآید، این مثال جالب انتخاب شده است تا همان‌طور که هیچ‌کس تردید ندارد که ممکن نیست شتر با آن جثهٔ بزرگش از سوراخ باریک سوزن عبور کند، همین‌طور مسلم بدانند که راهی برای ورود افراد بی‌ایمان و ظالم و متکبر در بهشت مطلقاً وجود ندارد

«جمل» در لغت به معنای شتری است که تازه دندان درآورده، ولی یکی از معانی جمل طناب‌های محکمی است که کشتی‌ها را با آن مهار می‌کنند؛ و از آن‌جا که طناب و سوزن تناسب بیشتری با هم دارند بعضی این معنای را در تفسیر آیه بهتر دانسته‌اند، ولی بیشتر مفسران معنای اول را ترجیح داده‌اند. جانگدازترین حال برای ظالمان، وقتی است که نوشیدنی‌های سوزان و چرکین جهنم را به آنان می‌چشانند، حالتی که تصوّر آن ریشه بر جان آدمی می‌اندازد:

«لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا جَزَاءً وَفَاقًا إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا؛ در آن جا هیچ نسیم خنکی نیابند و هیچ آشامیدنی ای نچشند، جز آبی جوشان و زردآبی گندآلود که سرائی همگون (با کارهای آنان) است، چرا که آنان انتظار و باور به حسابی نداشتند، و آیات ما را سخت انکار و تکذیب کردند، و ما هر چیزی را در نوشته‌ای شمار کرده‌ایم (لوح محفوظ یا نامه اعمال) پس بچشید که شما را هرگز جز عذاب نیفزاییم»

چگونگی عذاب ظالمان در شماری از آیات قرآن کریم بسیار عبرت آموز است. از غل و زنجیر شدن آنان و پوشاندن ماده سیاه بدبوی قطران بر اندام^۱شان تا پوشاندن لباس‌های آتشین و پر کردن شکم‌های^۲شان از شجره زقوم و نوشاندن آب داغ متعفن به آنان و در نهایت روسیاهی‌شان در نزد اهل محشر و به هوا شدن سرهای‌شان از شدت ترس و وحشت همه و همه نشان از سوء عاقبت ظالمان است. مخصوصاً آن‌گاه که اعضا و جوارح‌شان بر ضد آنان به سخن در می‌آیند .

«يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَ أَيْدِيهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ روزی که زبان‌ها و دست‌ها و پاهای^۳شان بر ضد آنان به آنچه می‌کرده‌اند، گواهی دهند». از روایات استفاده می‌شود که همه اعضای بدن هر کدام به نوبه خود بر اعمال دنیوی آنان گواهی می‌دهند.

«وَقَالُوا لَجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ؛ به پوست‌های بدن^۴شان گویند: چرا بر ضد ما گواهی داده‌اید؟ گویند: خدایی که هر چیزی را به سخن درآورده ما را نیز گویا کرده است.»!

آن روز ظالمان، حسرت زده اظهار ندامت و پشیمانی می‌کنند، ولی دیگر چه جای حسرت و پشیمانی است ! از امام صادق نقل شده: «خداوند برتر و عادل‌تر و بزرگ‌تر از آن است که بنده‌اش عذر موجهی داشته باشد و به او اجازه عذرخواهی ندهد، بلکه آن‌ها در حقیقت هیچ عذر موجهی ندارند که مطرح کنند.

نتیجه گیری

۱- انسان عاقل در مقابل پروردگارش سر تسلیم فرود می آورد و زندگی خویش را بر اساس توحید بنا می کند و خود را خالصانه مکلف به انجام اوامر الهی و ترک نواهی او می نماید و از هرگونه ظلم عقیدتی چون شرک و کفر نسبت به خدا و نیز از هرگونه رفتار ظالمانه و ارتکاب فواحش در محضر پروردگار دوری می کند. در چنین شرایطی است که او توانسته حق الله را رعایت نماید و نسبت به ساحت قدس ربوبی، در عقیده و عمل از ظلم و تعدی در امان بماند و در راستای هدف خلقت خویش قدم بردارد تا به مقام بندگی محض حق درآید.

۲- رعایت حق الناس در چارچوب حدود و مقررات الهی واجب است و در صورت تعدی از حدود، علاوه بر ظلم بر مردم، ظلم بر خود و خدای خویش نموده است.

۳- انسان مؤمن از هر ستمی نسبت به دیگران پرهیز می کند، چرا که خدای بزرگ حاضر و ناظر بر اعمال و رفتار و گفتار و نیّات و انگیزه های اوست. او نه تنها ستم نمی کند، بلکه متعلّق به صفت رحمانیت و رحیمیت الهی می شود و مصداق «وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ» می شود. لازمه چنین کاری، رشد و بالندگی انسان در تمام عرصه های زندگی است. این بیانگر تأثیر متقابل فقه و اخلاق در موضوع ظلم است، زیرا وقتی مظلوم بر ظالم غلبه نمود، در مورد قتل و جروح، بین بخشیدن ظالم یا قصاص او مخیر است.

۴- خداوند حکیم انسان را مکلف نموده تا حقوق الهی و حقوق هموعان خود را رعایت کند و حدود و ثغور هر حقی را نیز مشخص فرموده است. انسان در صورتی که در راستای هدف خلقت حرکت کند، سعادت دنیا و آخرت خود را تأمین و جامعه را نیز قرین خوشبختی می گرداند؛ و ادای حقوق زمانی محقق می شود که آدمی پایبند به انجام دادن واجبات و ترک محرمات باشد و همزیستی واقعی مسالمت آمیز و حفظ حقوق انسانی به گونه کامل در گرو پایبندی به اصول و فروع دین است. اصول و فروعی که قرآن کریم و سنت قطعی رسول رب العالمین آن را ترسیم و شناسانده است.

۵- ظلم کردن و ظلم پذیری به لحاظ فقهی گناه محسوب می شود، لذا انسان علاوه بر آن که نباید خود را به هیچ ستمی آلوده سازد، در مقابل ظالمان و متجاوزان نیز حق سکوت و بی تفاوتی ندارد. ستمگر و ستم پذیر

به یک اندازه در گناه شریکند، چون تن به ظلم دادن، سبب چیرگی بیشتر ظالم می‌شود.

۶- یکی از قوانین حاکم بر جهان هستی، قانون بازتاب یا عکس‌العمل است. بی‌گمان، انسان در دنیا مشمول چنین قانونی می‌شود، زیرا قدرت تشخیص را که همان فرقان است نتیجه رعایت تقوای الهی دانسته است؛ و نیز راه‌های هدایت الهی را نتیجه جهاد و تلاش در راه حق دانسته و آثاری را بر ظلم مترتب نموده است که از جمله آن محرومیت فرد و جامعه از به کارگیری نعمت‌های الهی است.

۷- همچنان که آثار تقوا، لطیف، دلنشین، شیرین و پرجاذبه است، آثار ستم‌پیشگی در دنیا و آخرت بسی ناگوار و جانگداز و همراه با درد و عذاب است و خواری و خفت روحی برای ظالم در آخرت چنان است که با خواندن آیات عذاب، رعشه بر اندام انسانی که اندکی اندیشه آخرت داشته باشد، می‌افتد. از این رو انسان عاقبت‌نگر کسی است که با برنامه‌ریزی دقیق و حساب شده لحظات عمرش را غنیمت بشمارد و به کار نیک پردازد و از تجاوز به حقوق دیگران بهراسد که کم‌ترین کوتاهی، بزرگ‌ترین پشیمانی را به دنبال می‌آورد.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

- ۱- ابن کثیر دمشقی، تفسیر القرآن العظیم، یوسف مرعشی، چ سوم، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۰۹ ق.
- ۲- ابی جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق الكلینی الرازی، الاصول من الکافی، علی اکبر غفاری، چ سوم، دارالتعارف، بیروت، ۱۴۰۱ ق.
- ۳- امام خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، چ اول، نشر اسلامی (جامعه مدرسین)، ۱۳۶۳ ق.
- ۴- پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحه، نشر جاویدان، تهران، بی تا.
- ۵- حرّ عاملی، وسائل الشیعۀ فی تحصیل مسائل الشریعه، عبد الرحیم ربانی شیرازی، چ پنجم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
- ۶- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، المکتبه المرتضویه، مطبعه التقدم العربی، ۱۳۹۲ ش.
- ۷- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، نشر اسلامی (جامعه مدرسین)، چ یازدهم، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، ۱۳۷۸ ش.
- ۸- عبدعلی بن جمعه العروسی الحویزی، تفسیر نور الثقلین، رسول محلاتی، چ چهارم، اسماعیلیان، قم، ۱۳۷۳ ش.
- ۹- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، چ ۸، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
- ۱۰- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چ سوم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
- ۱۱- مولوی، مثنوی، به کوشش قوام الدین خرّمشاهی، چ اول، نشر ناهید، تهران، ۱۳۷۵ ش.